



Pathology evaluation of the executor financial and economic authorizations in Iranian jurisprudence and law

Azam Moukhah¹, Bakhtyar Abaslo^{2*}, Seyed Mohsen Tabatabaie³

1. Ph.D. Student in the Field of Private Law, Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.
2. Assistant Professor & Member of Faculty, Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.
3. Assistant Professor & Member of Faculty, Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 245-263

Article history:

Received: 27 Feb 2022

Edition: 28 Mar 2022

Accepted: 22 Apr 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Executor, Coercive Guardianship, Financial Authorization, Responsibility

Corresponding Author:

Bakhtyar Abaslo

Address:

Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-9469-3271

Tel:

07644422720

Email:

abaslob@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The financial and economic authorization of the executor appointed by the coercive guardian is one of the important issues that has always been discussed. The purpose of this article is studying the mentioned issue from the perspective of Iranian jurisprudence and law.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and the library method uses.

Ethical considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: In Iranian jurisprudence and law, the executor has several powers such as seizing property, paying expenses and alimony for minors and the homeless, trade, keeping and managing the will, including sealing, writing and dividing the will. The executor within the framework specified by the testator for the executor, is obliged acting. otherwise she is the guarantor.

Conclusion: The legislature, In many cases, such as the executor transactions, on the financial authority of the executor does not have an explicit ruling and based on the articles related to guardianship and guardianship regarding the executor is considered applicable. It is suggested that the legislature in civil law and civil affairs state the duties and powers of the trustee in relation to finance and mention them, and that the guarantee of more appropriate performances be considered by the trustee regarding the administration of financial property. The prosecutor, as the representative of the people and the trustee, in the matter of guardianship, especially in relation to the property of the detainees and their supervision should have a more prominent role.

Cite this article as:

Moukhah A, Abaslo B, Tabatabaie SM. Pathology evaluation of the executor financial and economic authorizations in Iranian jurisprudence and law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):245-263.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

آسیب‌شناسی اختیارات مالی اقتصادی وصی منصوب ولی قهری در فقه و حقوق ایران

اعظم موخواه^۱، بختیار عباسلو^{۲*}، سید محسن طباطبایی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.
۲. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.
۳. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اختیارات مالی و اقتصادی وصی منصوب از طرف ولی قهری شامل اختیار اداره اموال و انجام فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی از موضوعات مهمی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. هدف مقاله حاضر بررسی موضوع مورد اشاره در فقه و حقوق ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی، نوع تحقیق نظری و از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در فقه و حقوق ایران، وصی دارای اختیارات متعددی مانند تصرف در اموال، پرداخت هزینه‌ها و انفاق صغار و محجورین، تجارت، حفظ و اداره ترکه شامل مهر و موم، تحریر و تقسیم ترکه می‌باشد. وصی مکلف است در چارچوبی که موصی برای شخص وصی معین و مشخص نموده است عمل نماید و در غیر این صورت ضامن می‌باشد.

نتیجه: در بسیاری از موارد مانند معاملات وصی، قانون‌گذار حکم صریحی در مورد اختیارات مالی وصی ندارد و با ملاک نظر از مواد مرتبط به قیومت راجع به وصی نیز قابل اجرا تلقی می‌شود. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در قوانین مدنی و امور حسبی وظایف و اختیارات وصی را در مورد امور مالی بیان نموده و به ذکر آن‌ها بپردازد ضمانت اجراهای مناسب‌تری نیز نسبت به وصی راجع به اداره اموال مولی‌علیه لحاظ گردد و دادستان نیز به‌عنوان نماینده مردم و مولی‌علیه نقش پررنگ‌تری راجع به امر وصایت بخصوص راجع به اموال محجورین و نظارت بر آن داشته باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۳-۲۴۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

وصی، ولی قهری، اختیارات مالی، مسئولیت.

نویسنده مسوول:

بختیار عباسلو

آدرس پستی:

ایران، جزیره کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، گروه حقوق.

تلفن:

۰۷۶۴۴۴۲۲۷۲۰

کد ارکید:

0000-0001-9469-3271

پست الکترونیک:

abaslob@yahoo.com

۱. مقدمه

پدر و جد پدری که ولایت بر طفل دارند و اداره اموال و دارایی‌ها، سرپرستی و نگهداری وی را بر عهده‌دارند، می‌توانند برای انجام این امور پس از خود فرد دیگری را وصی قرار دهند. در واقع، یکی از اختیارات ولی قهری این است که می‌تواند برای محجور تحت ولایت خود وصی تعیین کند، تا پس از فوت او امور محجور را اداره نماید، ماده ۱۱۸۸ ق.م. در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌توانند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند، تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده و اموال آن‌ها را اداره نماید» مشروعیت و جواز تعیین وصی توسط ولی قهری با توجه به این ماده زمانی است که ولی قهری دیگری زنده نباشد. چنانکه برخی حقوقدانان گفته‌اند، اگر هریک از پدر و جد پدری، در زمان حیات دیگری، وصی معین کند عمل او بی‌اثر و کان لم یکن خواهد بود؛ زیرا با وجود ولی قهری جای برای وصی باقی نمی‌ماند (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۳۸۲؛ مقصدی، ۱۳۹۰، ۶۹). مطابق ماده ۱۱۹۴ ق.م. وصی نماینده موصی است، به همین جهت وصی در زمره ولی خاص به شمار می‌آید. طبق ماده ۸۶۰ ق.م: «غیر از پدر و جد پدری کس دیگری حق ندارد بر صغیر وصی معین کند». مشهور فقها نیز بر نفی حق تعیین وصی از سایرین اظهار عقیده نموده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۸، ۱۹۵-۱۹۴). تألیفات متعددی در زمینه وصی انجام شده است: جمشید جعفرپور، در مقاله‌ای به بررسی اختیارات ولی

قهری و وصی در فقه و حقوق ایران با نگاهی به آرای امام خمینی (ره) پرداخته است (جعفرپور، ۱۳۸۶). منیره حق‌خواه، نیز در مقاله‌ای، تصرفات فضولی ولی قهری در اموال مولی‌علیه را بررسی کرده است (حق‌خواه، ۱۳۹۱). همچنین احمدعلی قانع و اسماعیل محمدپور، اوصاف اختصاصی وصی از دیدگاه مذاهب خمس و حقوق را مورد بررسی قرار داده‌اند (قانع و محمدپور، ۱۳۹۸). اما اختیارات مالی اقتصادی وصی منصوب از طرف ولی قهری در فقه و حقوق ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است و تمایز مقاله حاضر و نوآوری آن نسبت به تألیفات انجام شده بررسی این موضوع مهم است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و در مقاله حاضر بررسی می‌شود این است که وصی منصوب از طرف ولی قهری در حقوق ایران دارای چه اختیارات مالی اقتصادی بوده و ضمانت اجرای اختیارات و تعهدات وصی چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که: «وصی منسوب از طرف ولی قهری، دارای اختیارات متعددی در اداره اموال و فعالیت تجاری با اموال موصی داشته و در صورت تخطی از وظایف تعریف شده، ضامن است». منظور از اختیارات مالی در بحث حاضر، اختیار اداره اموال ولی قهری و منظور از اختیارات اقتصادی انجام فعالیت‌های تجاری و بازرگانی و تأمین مایحتاج و معیشت افراد صغیر و محجور ولی قهری است. به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا به مفهوم وصی و ولی قهری اشاره شده، سپس اختیارات مالی و اقتصادی وصی منصوب از طرف

موافق وصیت و سفارش کسی پس از مرگ وی، در امور و اموال وی دخالت و تصرف کند (مکی عاملی، ۱۴۱۱، ۱، ۲۳۱). از وصیت با توجه به مصدر یا اسم مصدر بودن وصی، سه معنا در نظر گرفته‌اند: الف) با توجه به مصدر آن از «وصی یصی» به معنای وصل کردن می‌باشد زیرا وصیت‌کننده تصرفات بعد از مرگ خود را به تصرفات زمان حیات خود متصل می‌کند (حلی، ۱۴۱۴، ۲، ۲۵۱). ب) به معنای سفارش کردن از «وصی یوصی» است و با توجه به اسم مصدری آن می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۴۱۰). ج) از «اوصی یوصی» به معنای تملیک عین یا منفعت آن می‌باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۰۱). به‌عنوان تعریف وصی در مقاله حاضر می‌توان گفت «وصی به کسی گفته می‌شود که از جانب دیگری مأمور به ایصال یا وصول حق، یا مأمور به نگهداری مولی علیه موصی (صغیر یا مجنون) و ترکه میت و ادای دیون و انجام دادن تبرعات موصی و تقسیم ترکه باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۱۴۱). با وجود وصی، حاکم حق دخالت در ترکه و امور محجور را ندارد و قوای عمومی و دولتی در نصب و عزل و حقوق و اختیار پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف آنان مداخله ندارند به همین جهت ایشان ولی خاص نامیده می‌شوند.

ولی نیز از مصدر «ولایت» و دارای معانی مختلفی است. از دیدگاه اهل لغت، «ولایت» به فتح واو به معنای دوستی می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵، ۴۰۶؛ طریحی، ۱۴۰۸، ۱، ۴۵۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۵، ۷۰۴) و به کسر واو به معنای امارت

ولی قهری در فقه و حقوق ایران بررسی شده و در ادامه از مسئولیت و ضمانت وصی بحث شده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی، نوع تحقیق نظری و از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه و حقوق ایران، وصی دارای اختیارات متعددی مانند تصرف در اموال، پرداخت هزینه‌ها و انفاق صغار و محجورین، تجارت، حفظ و اداره ترکه شامل مهر و موم، تحریر و تقسیم ترکه می‌باشد. وصی مکلف است در چارچوبی که موصی برای شخص وصی معین و مشخص نموده است عمل نماید و در غیر این صورت ضامن می‌باشد.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم وصی و ولی قهری

از نظر لغت، وصایت از ریشه «وصی» است و به متصل کردن و پیوند زدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۳، ۷۸)، عهد و پیمان (ابن درید، ۱۹۸۸، ۲، ۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳، ۹۸)، پند و اندرز دادن و سفارش کردن (تهانوی، ۱۹۹۶، ۶۷) و کامل کردن عمل و به‌درستی کاری را انجام دادن است (ازهری، ۱۴۲۱). در اصطلاح فقهی، وصی کسی است که

با شأن خانوادگی آنها، پرداخت نماید. در واقع، یکی از مسئولیت‌ها و وظایف وصی نسبت به صغار، پرداخت نفقه ایشان با رعایت اعتدال و در حد شئونات صغیر از اموال خودش است. انفاق باید به‌گونه‌ای باشد که نه کم بگذارد و نه اسراف کند. این حکم بین تمام فقها اتفاق است (طوسی، ۱۳۸۷، ۴، ۵۹). و اگر به هر صورت وصی در انفاق افراط و تفریط نماید، ضامن است؛ زیرا عدم افراط و تفریط را که شرط امانت است، محقق نساخته است. حال بحث این است که اگر صغیر بعد از خروج از حجر، ادعا کرد که وصی وظیفه فوق را درست انجام نداده و افراط و تفریط نموده است؛ اصل به نفع کیست؟ و چگونه باید به این ادعا رسیدگی کرد؟ در صورتی که وصی و صغیر در اصل انفاق یا در مقدار آن اختلاف نمایند، فقها قریب به اتفاق بر این باورند که قول وصی به همراه قسم مقدم است و مولی‌علیه (صغیر) باید بینه اقامه کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۴۳۲). دلیل اصلی برای تقدیم قول وصی این است که، وصی امین است و چون امین است ادعای او درباره مورد امانت پذیرفته می‌شود مگر خلافش ثابت شود به عبارت دیگر وصی امین است و اصل رعایت مقتضای امانت است مگر خلافش ثابت شود (طوسی، ۱۳۸۷، ۲، ۱۶۳). از طرفی، اقامه شاهد بر انفاق عمدتاً ممکن نیست، زیرا شاهدین نمی‌توانند بر همه جزئیات انفاق، مانند غذا خوردن در هرروز، مخارج ریز و درشت و غیره اطلاع پیدا کنند. البته این استدلال قابل مناقشه است زیرا گرچه اطلاع شاهدین به تمام جزئیات انفاق عادتاً مشکل است اما اصل معروف و

و سرپرستی است (طریحی، ۱۴۰۸، ۱، ۴۵۵؛ قرشی، ۱۳۶۷، ۷، ۲۵۴). در بحث حاضر، منظور از «ولی» تصرف و سرپرستی امور شخص دیگر است و منظور از ولی قهری شخصی است که به‌موجب قانون موظف به نگهداری اجتماعی و خانوادگی و مالی افراد محجور می‌باشد. وظیفه‌ای که قانون بر عهده او خواهد گذاشت اجباری است، به همین دلیل به وی، ولی قهری می‌گویند. سرپرستی افراد محجور با پدر است و در نبود پدر و عدم صلاحیت او سرپرستی این افراد با پدربزرگ پدری است و در صورت نبود و عدم صلاحیت او در نگهداری این افراد، سرپرستی آنان با ولی قهری است. ولی قهری، هم امور مالی طفل را بر عهده دارد و هم امور حقوقی طفل باید با نظارت و تأیید او به انجام رسد. در واقع، امور مالی و حقوقی طفل قلمروی است که بدون نظر ولی اعتبار حقوقی ندارد.

۲-۵. اختیارات مالی اقتصادی وصی منصوب

از طرف ولی قهری

وصی منصوب از طرف ولی قهری دارای اختیارات مالی اقتصادی متعددی است که در این قسمت بررسی می‌شود.

۱-۲-۵. پرداخت نفقه صغیر

یکی از متداول‌ترین و مهم‌ترین وظایف احتمالی وصی، حضانت و نگاهداری افراد صغیر و محجور است. در راستای انجام وظیفه مورد اشاره، وصی لازم است هزینه‌های معیشت افراد صغیر و محجور مانند هزینه مسکن و خوراک و بهداشت را متناسب

می‌ماند که این خود موجب نقض غرض و تضییع حقوق ایتمام می‌گردد.

۵-۲-۲. اداره امور مالی مولی‌علیه توسط

وصی

قانون مدنی در مواد ۱۱۸۸ و ۱۱۹۱ اداره اموال مولی‌علیه توسط وصی را پیش‌بینی کرده و چنانچه اداره اموال به صورت مطلق به وصی واگذار گردد، اختیارات وصی مطابق ماده ۱۱۹۴ ق.م. مشابه اختیارات ولی قهری، تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۱۶). در مورد غبطه مولی‌علیه قانون ساکت است. ولی با توجه به تصرفات موصی در امور راجع به خود می‌بایست رعایت غبطه و صرف و صلاح را بنماید. در مورد اموال مولی‌علیه نیز وصی موظف به رعایت غبطه می‌باشد. اگر عمل وصی خارج از حدود نمایندگی و اختیارات مندرج در وصیت‌نامه باشد، قطعاً اقدام حقوقی انجام‌گرفته در حکم معاملات فضولی بوده و در صورت رد آن توسط خویشان و نزدیکان مولی‌علیه، با حکم دادگاه باطل بوده و ضمناً وصی به‌موجب مواد ۸۵۸ و ۸۵۹ ق. ضامن خسارت وارده نیز خواهد بود، اما اگر اقدام حقوقی انجام‌شده در چهارچوب وظایف و حدود اختیارات وصی بوده ولی رعایت صلاح و غبطه مولی‌علیه یا متوفی را نکرده باشد، موجبی جهت بطلان آن دیده نمی‌شود، هرچند شخص ذینفع حق دریافت خسارت از وی را خواهد داشت (ارشدی، ۱۳۸۷، ۲۳۶) زیرا رعایت عدم غبطه از موارد تفریط می‌باشد که شخص وصی مقصر آن است. در کل بر اساس قانون مدنی و امور حسبی

غیرمعروف بودن یا انفاق و عدم انفاق از ظواهر امر مانند سطح لباسی که عادتاً بر تن می‌کنند و وضع ظاهری، کاملاً مشخص می‌شود (حلی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۲۵۶).

در صورتی که صغیر و وصی در مدت زمان انفاق اختلاف کنند، قول صغیر مقدم است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۱۱، ۲۹۰). مثلاً وصی بگوید: پدر صغیر ده سال پیش مرده و من از آن زمان تا کنون از اموال تحت اختیارم مخارج مولی‌علیه (صغیر) را پرداخته‌ام، صغیر بگوید خیر، هشت سال پیش پدرم فوت کرده است. اهمیت این دعوی از این جهت است که میزان نفقه نسبت به سنوات ولایت وصی قسمت می‌شود (حلی، ۱۴۱۴، ۲، ۵۴۲) شاید اشکال شود که درست است قول صغیر موافق با اصل است، اما وصی امین است و باید قول وی بنابر قاعده امانت مقدم شود. جواب این است که منشأ و سبب اختلاف زمان مرگ پدر است و روشن است که این ربطی به امانت وصی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۴۱۲). خلاصه اختلاف در موضوعی است که وصی حکم امین در آن نیست. از طرفی آوردن بینه برای تاریخ مرگ پدر آسان است (خصوصاً این که تاریخ تقریبی عموماً کافی می‌باشد و روز دقیق مطالبه نمی‌شود بنابراین وصی به سختی نمی‌افتد. به نظر می‌رسد دلیل توجه فقها به این امر این است که یکی از مبانی و ملاکات شارع در احکام وصیت، تدوین قوانین به نحوی است که وصی در عسر و حرج نیافتد. زیرا اگر سختگیری به حدی باشد که چنین شود، قهر کسی زیر بار این مسئولیت نمی‌رود و امر وصایت زمین

ق.ا.حسبی بر عهده شخصی تعیین شده می‌باشد که عمل تصفیه ترکه را مطابق ماده ۲۶۱ ق.ا.حسبی وصی تعیین شده و در صورت عدم انتخاب او ورثه متوفی می‌بایست کتباً از دادگاه صلاحیت‌دار که همان دادگاه اقامتگاه متوفی می‌باشد، درخواست نمایند (مستنبط از ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی). نگهداری و مواظبت از ترکه مقدمه‌ای است برای انجام دادن وظایفی که متصدی تصفیه و ترکه به عهده دارد، بنابراین این قسمت هم جزء تصفیه ترکه خواهد بود.

مهر و موم ترکه از دیگر وظایف وصی در اداره امور مالی مولی‌علیه است. به موجب بند چهار ماده ۱۶۷ قانون امور حسبی: «وصی می‌تواند برای حفظ ترکه و جلوگیری از حیف و میل آن از دادگاه صالحه محل وقوع ترکه مهر و موم آن را درخواست نماید» به موجب ماد ۱۹۴ همان قانون وصی حق دارد در صورت لزوم رفع مهر و موم ترکه را نیز از دادگاه تقاضا نماید. «کسانی که حق درخواست مهر و موم ترکه را دارند می‌توانند رفع مهر و موم را هم درخواست نمایند» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۰۷)، چون وصی کسی است که آخرین اراده موصی را برآورده می‌سازد و تعیین او برای صیانت و رسیدگی به اموال و امور موصی می‌باشد. تقاضای مهر و موم ترکه از طرف او لازم است (منصوری اسفندرانی، ۱۳۹۱، ۸۰). زیرا وصی در اجرای امور وصایت به حاضر بودن و موجود بودن تمامی اموال و فراهم بودن شرایط نگهداری آن‌ها می‌باشد.

در ادامه وظایف وصی در اداره امور مالی مولی‌علیه، باید به تحریر ترکه اشاره کرد. منظور از تحریر ترکه

برای وصی در اجرای مندرجات وصیت‌نامه وظایفی خاص مقرر گردیده است و وصی خواه در وصایت بر اشخاص و خواه در وصایت بر اموال باید اقدام‌های لازم را جهت مراقبت از اموالی که در تصرف اوست معمول دارد.

یکی از وظایف وصی در اداره امور مالی مولی‌علیه، حفظ و اداره ترکه است. منظور از حفظ و اداره ترکه این است که بعد از فوت مورث، اموالی که از او بجا می‌ماند حفظ و نگهداری نماید که این امر می‌تواند حراست از محصولات زراعی یا دامی و با نظارت بر یک شرکت تولیدی و یا اموال غیرمنقول و منقول دیگر باشد. در بحث اداره ترکه، اقداماتی را که وراث می‌بایست در جهت تقسیم و تقویم ترکه انجام دهند مدنظر است. بدین ترتیب که ابتدا واجبات مالی، سپس بدنی و همچنین اخراج ثلث از وصیت و تحریر و تصفیه و تقسیم ماترکی که از متوفی مانده (در صورت وجود وراث) به عمل خواهد آمد. حال اگر متوفی برای امور فوق شخصی را به‌عنوان وصی، یعنی نماینده مابعد خود برای انجام فرایض خود در نظر گرفته باشد دیگر وراث او هیچ نقشی در این اعمال نداشته و وصی به‌عنوان مدیر ترکه متوفی، مسئول اجرای فرامین موصی و اجرای قانونی دستورات مربوط به تقسیم ماترک می‌باشد. قانون امور حسبی در ماده ۲۶۰ در تعریف تصفیه ترکه بیان می‌دارد: «مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آن‌ها و خارج کردن مورد وصیت از ماترک است.» حال اگر متوفی شخص را به‌عنوان مدیر در امور تصفیه ترکه مشخص نماید. وظایف موجود در ماده ۲۶۰

تقسیم ترکه نیز در زمره وظایف وصی در اداره امور مالی مولی‌علیه است. مطابق ماده ۳۰۱ قانون امور حسبی: «ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غایب و کسی که سهم‌الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و همچنین موصی‌له و وصی راجع به موصی‌به در صورتی که وصیت به جزء مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند». بنابراین هرگاه ادامه اشاعه اموال کودکان تحت سرپرستی وصی مضر به حال صغار باشد وصی باید در اجرای اقدام‌های احتیاطی، تقاضای تقسیم ترکه را از دادگاه مطرح نماید.

از دید فقها، تقسیم ترکه را باید در صورت وجود وراثت در اختیار آنها گذاشت و در صورت عدم وجود وراثت آن را از اختیارات حاکم دانست (مغنیه، ۱۳۸۶، ۲۳۵) تقسیم ترکه از جانب وصی به عنوان یکی از اموری می‌باشد که موصی در اداره ترکه توسط وصی می‌تواند برای او در نظر بگیرد که در صورت عدم تصریح موصی به آن نباید آن را از مسئولیت‌های وصی به شمار آورد. در هر حال تقسیم ترکه را می‌توان به دو صورت در اختیار وصی قرار داد. صورت اول: ممکن است که موصی در وصیت خود به طور صریح این اختیار را به وصی داده باشد یعنی موصی وصیت به تقسیم ترکه توسط وصی نموده باشد.

صورت دوم: اینکه ممکن است موصی چنین وصیتی را نکرده باشد ولی وصی در انجام امور محوله همانند اداره اموال مولی‌علیه و یا مصرف مورد ثلث، در جایی که سهم شاع برای امور مذکور موجود است به استثناء ماده ۲۰۱ ق.ا. حسبی بر

تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است. این درخواست از ناحیه ورثه یا نماینده قانونی آن‌ها و یا وصی برای اراده اموال متوفی پذیرفته می‌شود. ماده ۲۰۶ قانون امور حسبی در مورد تحریر ترکه مقرر می‌دارد: «مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است.» ماده ۲۰۷ قانون فوق‌الذکر درخواست تحریر ترکه را از ورثه یا نماینده قانونی وراثت و وصی برای اداره اموال پذیرفته است. پس بر طبق موارد مذکور وصی بر اموال حق دارد که از دادگاه بخش صلاحیت‌دار تقاضای تحریر ترکه را بکند. با توجه به مواد ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹، قانون امور حسبی چنین فهمیده می‌شود که قانون‌گذار تحریر ترکه را در موارد استثنایی الزامی و حتمی دانسته و همچنین اگر وصی برای نگهداری و سرپرستی صغار موصی و اموال تعیین شده باشد. لازم است فوراً از دادگاه درخواست تحریر ترکه نماید. همچنین در موردی که وراثت و وصی در خصوص تصفیه ترکه به توافق نرسند، ترکه بعد از تصویب از سوی دادگاه باید تحریر و به وصی تسلیم گردد، زیرا در هر حال این درخواست می‌بایست از طرف وصی به دادگاه ارائه شود. و حال که بین وصی و وراثت اختلاف حادث گردید در صلاحیت دادگاه است تا تحریر ترکه را به‌دقت انجام داده و در اختیار وصی جهت انجام اقدامات لازم قرار دهد (عبدلی، ۱۳۹۱، ۵۸). براساس مفاد مواد ۲۰۸ و ۲۰۹ قانون مذکور، چنانچه وصی به منظور حضانت و سرپرستی صغار موصی و اموال آنها تعیین شود، لازم است از دادگاه تقاضای تحریر نماید.

وصی و هر شخص دیگر از باب حسبه می‌توانند به حاکم اطلاع دهند. حاکم اگر وصی را شایسته بداند او را برای این کار، مأمور خواهد کرد.

اگر اختیار تصفیه ترکه را متوفی به وصی بدهد او می‌تواند برای وصول مطالبات موصی، بر حق میت طرح دعوی نماید. اگر کسی علیه متوفی دعوایی داشته باشد و آن دعوی را علیه موصی اقامه کند و دلایل مدعی برای اثبات دعوی کافی نباشد وصی می‌تواند با رعایت غبطه، دعوی را به صلح فیصله دهد و مقداری از ترکه را بدهد و سازش کند.

بنابراین وصول مطالبات و اداره ترکه گاه نیازمند آن است که علیه بدهکار، طرح دعوی شود و وصی از این حق برخوردار است. در وصایت بر اشخاص نیز وصی می‌تواند برای گرفتن سهم کودکان از مطالبات مورث طرح دعوی نماید.

هرگاه دعوایی در مورد اعتبار یا اصالت وصیت‌نامه‌ای که مبنای سمت وصی است مطرح و یا در جریان باشد وصی می‌تواند به‌عنوان مدعی یا مدافع یا وارد ثالث وارد دعوی شود. چون او نماینده موصی و مدعی وجود اختیار در حفظ و اداره ترکه یا ولایت بر کودکان است و در دعوی ذینفع می‌باشد.

علاوه بر این چنانچه، رأی یا قراری علیه منافع صغار و محجورینی که وصی سرپرستی آنها را بر عهده دارد، صادر گردد و وصی در جریان دعوی دخالت نداشته است، می‌تواند به‌عنوان معترض ثالث به حکم صادره، اعتراض نماید.

در رأی آمده است: «نظر به اینکه به‌موجب مستفاد از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی، تقاضای تنفیذ

طبق ماده ۳۰۴ قانون مزبور از دادگاه درخواست تقسیم ترکه کند.

تقسیم ترکه را می‌توان به دو صورت در اختیار وصی قرار داد صورت اول: ممکن است که موصی در وصیت خود به‌طور صریح این اختیار را به وصی داده باشد یعنی موصی وصیت به تقسیم ترکه توسط وصی نموده باشد. صورت دوم: اینکه ممکن است موصی چنین وصیتی را نکرده باشد ولی وصی در انجام امور محوله همانند اداره اموال مولی‌علیه و یا مصرف مورد ثلث، درجایی که سهم شارع برای امور مذکور موجود است به‌استثناء ماده ۲۰۱ ق.ا. حسبی بر طبق ماده ۳۰۴ قانون مزبور از دادگاه درخواست تقسیم ترکه کند.

۵-۲-۳. وصول مطالبات

در وصایت بر اموال، وصی حق دارد برای وصول مطالبات متوفی بر بدهکار اقامه دعوی نماید. ماده ۲۶۴ قانون امور حسبی مقرر می‌دارد: «در صورتی که متوفی، وصی برای اداره اموال داشته باشد امر تصفیه به وصی واگذار می‌شود. ماده ۳۳۰ همین قانون می‌گوید: «در صورتی که متوفی برای اجرای وصیت خود وصی معین کرده باشد اداره ترکه به وصی واگذار می‌شود».

اگر موصی در وصیت، اختیار تصفیه ترکه را به وصی ندهد فرض این است که او این امر را در صلاحیت وراثت قرار داده است. زیرا ورثه به اسرار و امور خانوادگی مورث خود بیشتر آشنا هستند و بهتر می‌توانند این کار را انجام دهند. اما اگر ورثه اقدام به این کار نکردند حاکم، ولی ممتنع است و

۵-۲-۴. پرداخت دیون مسلم

وصی می‌تواند بدون اینکه نیازی به اجازه ورثه باشد به پرداخت دیون متوفی مبادرت نماید. این دیون باید به تشخیص خود او مسلم باشد. یادآوری این نکته ضروری است که وصی حق ندارد ورثه را نسبت به پرداخت دیونی که مورد قبول آنها نیست مجبور کند. وصی باید در اداء دیون سه نکته ذیل را ملحوظ دارد: الف) اگر وصی خود از موصی، بستانکار بداند بدون مراجعه به دادگاه می‌تواند طلب خود را از ترکه بردارد زیرا وصی، امین میت است و نباید او را متهم کرد. ب) اگر دیگران از موصی طلب داشته باشند و وصی به‌طور قطع بداند که این طلب ساقط نشده است به همان استدلال که گفته شد وصی می‌تواند به علم خود عمل کند و بدون مراجعه به دادگاه و اثبات طلب آن دین را بدهد. ج) «اگر موصی مال معین را برای دادن دیون خود اختصاص دهد وصی در اجرای وصیت نیاز به جلب رضای ورثه ندارد. اگر مالی را به این کار اختصاص ندهد و به وصی اختیار دهد که برای پرداختن بدهی موصی، از هر یک از اقسام ترکه که خواهد استفاده کند نیاز به جلب رضای ورثه ندارد در غیر این صورت برای دادن بدهی میت باید رضای ورثه را که در حکم شرکاء هستند جلب کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۱۸۱-۱۸۲). همچنین وصی در اجرای وصایت و اقدامات مربوط به آن رعایت غبطه مولی‌علیه را بنماید: الف) «وصی حق ندارد برای بدهی خود، مال مولی‌علیه را به رهن شخص ثالث بدهد. ب) وصی مال غیرمنقول مولی‌علیه را جز در صورت نیاز مبرم نمی‌تواند

وصیت باید به طرفیت اشخاص ذینفع در ترکه و ورثه موصی در دادگاه مطرح شود. بنابراین رسیدگی به تقاضای خواهان و بررسی شرایط صحت و اصالت وصیت‌نامه فقط در صورتی امکان دارد که ورثه موصی برای این منظور به دادرسی دعوت شوند. نظر به اینکه خواهان هیچ دلیلی که وراثت خواندگان و ذینفع بودن آنان را در ترکه مرقوم، اثبات کند به دادگاه تقدیم نموده است و به اضافه مفاد اسناد عادی مورخ ۲۳/۱۲/۴ و ۲۴/۴/۵ جز در خصوص وصایت خواهان نسبت به مخارج ایام ثلاثه متوفی اساساً وصیت‌نامه محسوب نمی‌شود و متن اوراق تقدیمی حاکی از تملیک عین یا منفعتی برای بعد از فوت موصی نیست لذا قرار عدم استماع دعوی صادره اعلام می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۰۵). براساس آنچه گفته شد، وصی باید مطالبات متوفی را وصول کند و در صورت لزوم برای وصول این مطالبات در دادگاه اقامه دعوی نماید. وصول مطالبات و اداره ترکه گاه مستلزم این است که بر بدهکار دعوی طرح شود و باید پذیرفت که وصی در آن راستا حق اقامه دعوی بر بدهکاران و متعهدان بر موصی را دارد. در وصایت بر اشخاص نیز وصی می‌تواند برای گرفتن سهم صفل از مطالبات مورث طرح دعوی نماید. هرگاه دعوایی در مورد اعتبار یا اصالت وصیت‌نامه‌ای که مبنای سمت وصی است مطرح و یا در جریان باشد وصی می‌تواند به عنوان مدعی یا مدافع یا وارد ثالث وارد دعوی شود. چون او نماینده موصی و مدعی وجود اختیارد در حفظ و اداره ترکه یا ولایت بر طفل است و در دعوی ذینفع می‌باشد.

نیست. شیخ طوسی چنین می‌نویسد: «من ولی مال الیتیم جاز له أن يتجر فيه للصبي نظراً له سواء كان... وصيةً او حاکماً» (طوسی، ۱۳۸۷، ۲، ۱۶۲)، همچنین ابن زهره، (ابن زهره، ۱۴۰۴، ۲۰۷)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۳۹) و کیدری (کیدری، ۱۴۱۶، ۱۹۷)، نیز همین‌گونه فتوای داده‌اند. محقق اردبیلی ادعای عدم خلاف در این حکم می‌نماید و عاملی در مفتاح الکرامه می‌گوید: ظاهراً مسئله اجماعی است (عاملی، ۱۴۱۳، ۳، ۶۸۱). همچنین صاحب جواهر ادعای اجماع می‌نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲، ۲۷۲). البته شرط رعایت مصلحت و مواظبت از مال که در تمام تصرفات وصی از جمله در این مورد نیز معتبر است. نکته دیگر این که همه این مباحث در صورتی است که موصی وصیت را مطلق نوشته و وصی را نیز به صورت مطلق، وصی قرار داده باشد.

در مقابل محتمل است موصی در وصیت تصریح به محدود بودن اختیارات نموده باشد. در این صورت اختیارات از جمله اختیار بیع و تجارت محدود به حدود اذن موصی می‌باشد. بالجمله امر وصیت، هم در اصل و هم در فروع و حدود، دائر مدار اذن موصی است.

۵-۲-۶. تسلیم اموال به صغیر بعد از رفع

حجر

از جمله تکالیف و مسئولیت‌های وصی لزوم تحویل و تسلیم اموال بعد از بلوغ و رشد صغیر، به وی است. در این حکم اختلافی نیست. علامه حلی ادعای اجماع نموده است (حلی، ۱۴۱۴، ۵۱۲). آن

بفروش برساند مگر اینکه غبطه مولی‌علیه در فروش آن باشد. (ج) وصی می‌تواند با مال مولی‌علیه بازرگانی کند به شرط اینکه مصالح وی را رعایت کرده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۱۸۱-۱۸۲). وصی همانند شیوه‌ای که برای تسلیم موصی به قابل اعمال بود می‌تواند بدون اینکه نیازی به اجازه ورثه باشد به پرداخت دیون متوفی مبادرت نماید. این دیون باید به تشخیص خود او مسلم باشد. چنانچه وصی از انجام این وظیفه امتناع کند اشخاص ذینفع حق دارند علیه او و همه ورثه در دادگاه اقامه دعوی نمایند.

۵-۲-۵. تجارت با اموال مولی‌علیه

در مورد این که ولی می‌تواند با مال مولی‌علیه خود به امور بازرگانی بپردازد، ماده‌ای در قانون وجود ندارد. ولی این دیدگاه غالب وجود دارد که وصی همواره در امور مربوطه با وصایت باید رعایت مصلحت متوفی و غبطه مولی‌علیه خویش را بنماید. در مورد این موضوع نیز نمی‌توان وصی را منع از انجام عملی نمود. که به نفع سفارشات موصی و مولی‌علیه اوست. البته تنها شرطی که می‌توان در آن یافت ملائت وصی است. چون امکان این وجود دارد که شخصی بنابر دلایلی از دخالت در اموال خود محروم باشد. ولی قانون این اجازه را به او داده که بتواند به نگهداری شخصی و حتی اموال او بپردازد.

در جواز تجارت، بیع و شراء وصی با اموال طفل، آنجا که بیع به مصلحت طفل باشد و وصی نظارت و مواظبت کامل داشته باشد، بین فقها اختلافی

هنگام که صبی رشید گردید اموالش به وی تحویل داده شود. و این حکم به دلیل آیه اجماعی است. دلیل عمده بر این حکم صریح آیه شریفه ۶ سوره نساء می‌باشد با این مضمون: «آن‌گاه اگر آن‌ها (یتیمان) را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آن‌ها بازدهید».

طبق ماده ۲۳۲ ق.ا.حسبی که متضمن یک اصل کلی می‌باشد مقرر شده: «دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آن‌ها اقامه شود هر چندتر که درید وارث نباشد لیکن مادامی که ترکه به دست آن‌ها نرسیده است مسئول اداء دیون نخواهد بود.» در ادامه ماده ۲۳۷ مقرر می‌دارد: «در مواردی که برای اداء دیون متوفی وصی معین شده است اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه خواهد شد.» پس به نظر می‌رسد، چنانچه اصالت و کیفیت اجرای وصیت مورد تایید ورثه قرار گیرد، موصی به باید به موصی له تسلیم شود. در صورت اختلاف، موصی له از طریق دادگاه صالح اقدام کرده و از آنجا که نمی‌توان بین طلبکاران و موصی له نمی‌توان تفاوتی قایل شد، ضرورت اقامه دعوا بر ورثه و وصی احراز می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۱۲). وصی در تسلیم موصی به می‌بایست با توجه به وصیتی که از طرف موصی به عمل آمده اقدامات لازم را انجام دهد. بدین ترتیب اگر موصی به عین معینی از اموال موصی باشد. وصی باید همین مورد را تسلیم موصی له نماید و دیگر نمی‌تواند از دیگر اموال موصی جهت تسلیم موصی به استفاده نماید و یا وارث موصی نیز می‌توانند مالی جز آن چیزی که موصی بدان

سفارش نموده اختیار وصی قرار دهند. و همچنین اگر موصی، به صورت پول و مال کلی باشد، مطابق ماده ۲۶۹ ق.ا.حسبی، وصی باید از وجوه موجود در ترکه اسفاده نماید و چنانچه عاید است، حق دارد اجبار ورثه را به فروش اعیان ترکه و حتی تسلیم مال معین شده از طرف وصی را از دادگاه بخواهد. در مورد این موضوع نظر قابل توجهی از فقها در این مورد بیان نشده است.

در صورتی که صغیر بگوید وصی اموال را بعد از بلوغ به وی تسلیم نکرده است و وصی ادعا کند تحویل داده‌ام، قول صغیر مقدم است و وصی مکلف به ارائه بینه می‌باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۶۳). برخی فقها در این خصوص ادعای اجماع می‌کنند (عاملی، ۱۴۱۳، ۵، ۲۹۸). حال سؤال این است که چگونه با وجود این که وصی امین است و علی‌القاعده باید قول او در خصوص مورد امانت پذیرفته شود، اما علما برخلاف این قاعده حکم نموده‌اند. بهترین دلیلی که برای این حکم خاص و خلاف قاعده ذکر شده است آیه ۶ سوره نساء است. امر به اشهد در آیه بر لزوم اقامه بینه توسط وصی دلالت دارد زیرا اگر بینه از وصی طلب نشود چه نیازی به اشهد است (حلی، ۱۴۱۰، ۱۵، ۱۹۳). و شاهد بر اثبات مدعی این است که در مورد رد امانت که قول مدعی مقدم است و بینه از وی مطالبه نمی‌شود. آیه ۲۸۳ سوره بقره به‌طور مطلق و بدون قید اشهد، امر به رد امانت می‌نماید. بر این اساس باید کسی که امین شمرده شده، امانت و بدهی خویش را بپردازد. به نظر می‌رسد اهتمام شارع مقدس به عدم تضییع حق یتیم باعث شده است که در این مورد

ولایت دارد عقد را منعقد کرد و از طرف دیگر شرط غبطه که در تصرفات وصی معتبر است نیز رعایت شد؛ دیگر دلیلی بر عدم جریان مقتضای مضاربه نیست و ضمان مطلق وصی یا عامل، خلاف مقتضای عقد مضاربه است. خلاصه ممکن نیست شرائط صحت رعایت شود، اما اثر و احکام آن عقد مترتب نشود. همچنین به‌طور کلی ید وصی ید امانی است، پس وقتی وصی تمام شرائط امانت را رعایت نموده باشد دیگر دلیلی ندارد حکم امانت جاری نشود (حلی، ۱۴۱۹، ۲، ۲۶).

اما مطابق دیدگاه دیگر، در صورتی که وصی وظایف و تکالیف خود را با توجه به شرایط مقتضی انجام داد و از حدود اختیارات خود پا فراتر ننهاد، آن گاه در فرض تلف، نقص و عیب مال صغیر، وصی ضامن نمی‌باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۰۳). از این رو مدعی این است که ید وصی در صورت عدم تعدی و تفریط ید امانی است. قانون مدنی ایران نیز در ماده ۸۵۸ چنین مقرر می‌دارد «وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی و تفریط». در واقع، وصی امین می‌باشد، پس اگر مال تحت اختیار او تلف شد ضامن نمی‌باشد؛ البته حکم عدم ضمان در صورتی است که مخالفت با شرط وصیت نکرده و همچنین در وظایف خود کوتاهی ننموده باشد. روشن است که تخلف عمدی از شرط وصیت یکی از مصادیق تعدی می‌باشد. منظور از تعدی آن است که وصی از حدود اختیارات و وظایفی که موصی برای او تعیین کرده خارج شود و مقصود از تفریط سهل‌انگاری وصی در

اقامه بینه را لازم بداند. خلاصه دلیل تعبدی (ظهور قوی قرآن بعلاوه استظهار قاطبه فقها) عموم مقتضای قاعده امانت را تخصیص می‌زند.

۳-۵. مسئولیت و ضمانت وصی در قبال اختیارات مالی و اقتصادی

در این قسمت، از مسئولیت و ضمانت وصی در قبال اختیارات مالی و اقتصادی بحث می‌شود.

۳-۵-۱ وصی در صورت تجارت

یکی از موضوعات مهم مرتبط با اختیارات مالی و اقتصادی وصی، ضمانت وصی می‌باشد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر وصی با اموال صغیر تجارت نمود و مال تلف شد آیا ضامن است یا خیر؟ در صورت رعایت شرایط امانت، قاعده اقتضا می‌کند که وصی ضامن نباشد. اما دیدگاه‌هایی وجود دارد که حکم به ضمانت تاجر می‌نماید، از این جهت مسئله مشکل شده است. شیخ طوسی در مسبوط می‌گوید: «ولی می‌تواند مال صغیر را برای مضاربه به دست امین دهد، حال اگر مال را به غیر امین داد ضامن می‌باشد» (طوسی، ۱۳۸۷، ۳، ۱۹۹). اشکال اولی که به دیدگاه مورد اشاره وارد می‌شود این است که ابن ادریس اصلاً اختیار این قول توسط شیخ را انکار می‌کند و معتقد است آنچه شیخ بیان نموده نه فتوای وی بلکه نقل یک خبر واحد است (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۴۱۱). به‌عنوان اشکال دوم، محقق حلی بر این باور است که اگر معامله (تجارت) با شرائط صحیح واقع شود یعنی شروط المتعاقدين رعایت شده باشد، یعنی کسی که شرعاً

حفظ اموال و امور وصیت است که در این گونه موارد وصی ضامن است و باید از عهده خسارات وارده برآید.

۵-۳-۲. ضمانت عدم اجرای وصایا

موضوع مهم دیگر مرتبط با ضمانت وصی، ضمانت عدم اجرای وصایا است. به موجب ماده ۸۳۴ ق.م.وصی حق خودداری از اجرای تکالیفی که ولی قهری بر عهده وی گذاشته است را ندارد. براساس ماده ۸۵۹ ق.م. «وصی باید بر طبق وصایای موصی رفتار کند والا ضامن و منعزل است». علامه حلی (ره) در این باره می‌فرماید: «اگر وصیت کند به این که دین او را ادا و اموالش را جدا کند و وصی تأخیر و مسامحه کند در حالی که امکان اقدام وجود داشته در صورت تلف مال ضامن است...» (حلی، ۱۳۱۴، ۱، ۳۰۴). به نظر می‌رسد مستنبط از کلام علامه خلاف آنچه گفته شد نیست و ضمانت وصی رافع مسئولیت ورثه در قبال دیان نمی‌باشد، بنابراین آنچه بعضی حقوقدانان معاصر (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۳۳۳). «در بعض فروض، حق رجوع دیان به ورثه را از طلبکاران نفی کرده‌اند صحیح نمی‌باشد» (محقق داماد، ۱۳۷۸، ۱۸۹). اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی‌علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل می‌شود.» به عبارت دیگر وصی مقصر و عامد علاوه بر ضمانت سمت وصایت خود را به خودی خود را از دست خواهد داد. «حکم انعزال وصی اعلامی است و باید به وسیله دادگاه صالح تصدیق و امضا شود و اثر آن

از تاریخ تحقق امتناع و یا کاهلی وصی است و نباید آن را با عزل وصی که ناظر به آینده است و چهره تأسیس دارد اشتباه کرد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۷۲۹). دیدگاه فقها در خصوص آثار مترتب بر خیانت وصی، واحد و یکسان نیست. از نظر برخی از فقها، «چنانچه عدالت شرط صحت وصیت باشد یا آنکه عدالت معتبر نباشد و امانت معتبر باشد به هر حال با خیانت به علت فقدان شرط لازم، وصیت کان لم یکن می‌گردد» (محقق داماد، ۱۳۷۸، ۱۹۲). از نظر برخی فقها، اگر در یک مورد مسامحه یا کوتاهی و خیانت کند، علاوه بر ضمانت در آن مورد، در سایر موارد که بدون کوتاهی و خیانت چیزی را تلف کرده باشد باز هم ضامن است، چون خیانت در یک مورد نشان می‌دهد که او به طور کلی امین نیست (فیاض کابلی، ۱۴۲۶، ۵۰۵). اگر در وصی خیانتی ظاهر شود وصایت و تصرفات بعد از آن باطل می‌شود. در صورتی که وصی مالی را تلف کند ضامن می‌باشد و وصی تا زمانی که مال را به حاکم ندهد و حاکم مال را به صاحبش ندهد ضمانت از او رفع نمی‌شود.

۵-۳-۳. ضمانت عدم رعایت مصلحت و غبطه

مولی‌علیه

وصی باید در عمل به وصایت مصلحت و غبطه مولی‌علیه یا متوفی را رعایت کند. هرگاه وصی برخلاف اختیار و حدود نمایندگی خود معاملات کند آن معاملات غیرنافذ است و در صورت عدم تنفیذ ورثه اثری ندارد. تزلزل وضع طرف معامله و خسارت احتمالی وارد بر او نیز تأثیری در حکم

قضیه ندارد زیرا او می‌تواند حدود نمایندگی وصی را تشخیص دهد. گاهی وصی در حدود اختیار خود هنگام معامله غبطه متوفی را رعایت نمی‌کند و بر طبق قواعد عمومی قراردادها نمی‌توان قرارداد را به هم زد. «در این حالت عده‌ای از مؤلفان با استدلال اینکه انجام معامله خارج از حدود اختیار وصی بوده بطلان قرارداد را ترجیح داده‌اند» (امامی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۱۲). اما برخی حقوقدانان دیگر استدلال مورد اشاره را نپذیرفته و می‌گویند: «حدود اختیار وصی و اجرای درست و مطلوب اموری که داخل در آن حدود است دو مسئله جداگانه و متفاوت است و آثار و احکام تجاوز از هر دو فرض یکسان نیست در صورتی که وصی یا وکیل قراردادی را در حدود اختیار خود منعقد سازد و یا وجود این رعایت صلاح متوفی یا موکل خود را نکند هیچ موجبی برای بطلان آن معامله به نظر نمی‌رسد و فقط ذینفع می‌تواند از وصی خسارت بگیرد اما اگر وصایت مقید شرایطی باشد و وصی خارج از حدود آن شرایط عمل کند عمل او فضولی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۲۰). به عبارت دیگر اگر عدم رعایت مصلحت متوفی مستلزم تجاوز از حدود اذن و نمایندگی باشد اعمال وصی فضولی و قابل رد یا تنفیذ از ناحیه ذینفع است و در سایر موارد اشخاص ذینفع صرفاً حق مطالبه خسارت را دارند.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سوال پرداخته شد که وصی منصوب از جانب ولی قهری دارای چه اختیارات مالی و اقتصادی می‌باشد؟ نتایج نشان داد

وصی منصوب از جانب ولی قهری، دارای اختیارات مالی و اقتصادی متعددی است؛ از جمله اینکه حقوق مالی صغار و محجورین را پرداخت کند. در صورت اختلاف در انفاق، قول وصی مقدم می‌شود زیرا وصی امین است و ادعای امین در مورد امانت پذیرفته می‌شود. همچنین وصی مکلف است آنچه را که به صغار و محجورین تعلق دارد بعد از رفع حجر به آنان بدهد. در صورتی که صغیر بگوید وصی اموال را بعد از بلوغ به وی تسلیم نکرده است و وصی ادعا کند تحویل داده‌ام، قول صغیر مقدم است و وصی مکلف به ارائه بینه می‌باشد. علاوه بر این، اداره نگاهداری اموال آن‌ها نیز از دیگر وظایف او است. وصی برای انجام وصایت نیازمند رعایت محدوده‌ای است و نباید فراتر از آن محدوده تصرف کند. از نظر فقها این محدوده، رعایت مصلحت و قیودی است که موصی تعیین می‌کند. این مسئله مورد تأیید حقوقدانان نیز هست. اجرای تعهدات و وصول مطالبات و پرداخت دیون مسلم از دیگر وظایف وصی می‌باشد. همچنین در صورت عدم محدودیت اختیارات وصی و رعایت مصلحت، بیع و شراء اموال طفل و همچنین تجارت با آن از سوی وصی، جایز است. همچنین از جمله اختیارات مالی که وصی برای حفظ ترکه و جلوگیری از حیف میل آن می‌بایست انجام دهد تقاضای مهر و موم ترکه از دادگاه صالح که آخرین اقامتگاه متوفی در حوزه آن دادگاه بوده صورت می‌گیرد. وصی در تسلیم موصی به می‌بایست با توجه به وصیتی که از طرف موصی به عمل آمده اقدامات لازم را انجام دهد. بدین ترتیب اگر موصی به عین معینی از اموال

و این عنوان حقوقی و فقهی نظم خاصی را به خود می‌گیرد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

موصی باشد. وصی باید همین مورد را تسلیم موصی‌له نماید و دیگر نمی‌تواند از دیگر اموال موصی جهت تسلیم موصی‌به استفاده نماید و یا وارث موصی نیز می‌توانند مالی جز آن چیزی که موصی بدان سفارش نموده اختیار وصی قرار دهند. و همچنین اگر موصی مالی کلی یا پول باشد وصی باید از وجوهی که در ترکه موجود است استفاده کند. در مورد رسیدگی به دعاوی مالی مربوط به وصی باید بیان نمود که در بحثی که مربوط به حقوق طلبکاران از متوفی (موصی) می‌باشد، اقامه دعوی از طرف طلبکاران به طرفیت ورثه و وصی می‌باشد در دعوی عینی بر میت هرگاه عین درید وصی باشد می‌توان بر وصی اقامه دعوا نمود که در این حالت وصی موظف به دفاع از طرف متوفی در مقابل دعوی مطرح شده می‌باشد. قانون‌گذار راجع به فروش اموال مولی‌علیه حکم خاصی ندارد. مسئولیت وصی نیز زمانی مطرح می‌شود که تعدی و تفریط کرده باشد. با توجه به نتیجه به‌دست آمده، پیشنهاد می‌شود که مواد قانونی وصی اصلاح گردد و محدوده فعالیت وصی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد که هم اراده موصی و هم منافع مولی‌علیه به نحو احسن‌تری اجرا و تأمین گردد و اینکه نهادی تخصصی جهت اجرای وصیت‌نامه‌های عهدی در نظر گرفته شود که به‌عنوان یک شخص حقوقی در جایگاه وصی قرار گیرد و به‌صورت قانون بیان شود، که هر شخصی که وصی تعیین نماید، شخص وصی در سایه نهاد ایجادشده، وظایف وصی اجرا شود و این‌گونه جلوی سوءنیت‌های مالی احتمالی که ممکن است توسط وصی صورت گیرد گرفته شود

منابع

- ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.
- ابن ادریس حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن أحمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد پانزدهم، قم، مؤسسه النشرالإسلامی، ۱۴۱۰.
- ابن حمزه، محمد، الوسیله، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، جلد دوم، بیروت، دار العلم للمالین، ۱۹۸۸.
- ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع (الجوامع الفقهیة)، قم، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد پانزدهم، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴.
- ارشادی، علی یار، وصیت در حقوق ایران و مذاهب اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۴.
- تهانوی، محمد علی بن علی، کشف اصطالحات الفنون، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶.
- جعفرپور، جمشید، «بررسی اختیارات ولی قهری و وصی در فقه و حقوق ایران با نگاهی به آرای امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، شماره سی و چهارم و سی و پنجم، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وصیت و ارث، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد پانزدهم، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۴.
- حق خواه، منیره، «تصرفات فضولی ولی قهری در اموال مولی‌علیه»، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره پنجاه و هفتم، ۱۳۹۱.
- حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، جلد اول، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه، ۱۳۱۴.
- حلی، حسن بن یوسف، نهاییه الاحکام فی معرفه الأحکام، جلد دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹.
- حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام إلیاء التراث، ۱۴۱۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، جلد سوم، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲.
- صفایی، حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد اول، بیروت، مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، ۱۴۰۸.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد چهارم و دوم، تهران، المکتبه المرتضویه الاثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد سوم و پنجم، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳.
- عبدلی، حمیده، «بررسی ایجاب و قبول در وصیت از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد سوم، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۰۹.
- فیاض کابلی، محمد اسحاق، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات مجلسی، ۱۴۲۶.
- قانع، احمدعلی، محمدپور، اسماعیل، «اوصاف اختصاصی وصی از دیدگاه مذاهب خمس و حقوق»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی)، شماره بیست و سوم، ۱۳۹۸.
- قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- کاتوزیان، ناصر، وصیت در حقوق مدنی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کانون وکلای دادگستری، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، تهران، چاپ نشر دادگستر، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، عدالت قضایی (گزیده آرا)، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۸.
- کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشیعه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۶.
- محقق حلّی، حسن بن سعید، شرائع الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، تحلیل فقهی و حقوقی وصیت، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۸.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد. چاپ دوم، جلد پنجم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴.
- مغنیه، محمدجواد، فقه تطبیقی (مذاهب پنجگانه جعفری، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی)، چاپ پنجم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
- مقصودی، مراد، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسند، ۱۳۹۰.
- مکی عاملی، محمد بن جمال‌الدین (شهید اول)، اللعه دمشقیه فی فقه الامامیه، جلد یکم، قم، دار الفکر، ۱۴۱۱.
- منصوری اسفندرانی، علیرضا، «وظایف و مسئولیت‌های وصی در اداره اموال صغار در فقه

امامیه و حقوق ایران»، پایان ارشد کارشناسی ارشد
فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم و حدیث، ۱۳۹۱.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع
الاسلام، جلد بیست و هفتم و بیست و دوم، چاپ
هفتم، لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.